لازم به ذکر است: متن ذیل پیاده شده از صوت درس می‌باشد و هیچگونه ویرایشی روی آن اعمال نشده است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و صلی الله تعالی علی سیدنا و نبینا ابوالقاسم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین لا سیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی الصِّدِّیقَةِ فَاطِمَةَ الزَّکِیَّةِ حَبِیبَةِ حَبِیبِکَ وَ نَبِیِّکَ وَ أُمِّ أَحِبَّائِکَ وَ أَصْفِیَائِکَ الَّتِی انْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا عَلَی نِسَاءِ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ کُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا وَ کُنِ الثَّائِرَ اللَّهُمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا اللَّهُمَّ وَ کَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَئِمَّةِ الْهُدَی وَ حَلِیلَةَ صَاحِبِ اللِّوَاءِ وَ الْکَرِیمَةَ عِنْدَ الْمَلَإِ الْأَعْلَی فَصَلِّ عَلَیْهَا وَ عَلَی أُمِّهَا خَدِیجَةَ الْکُبْرَی صَلَاةً تُکْرِمُ بِهَا وَجْهَ أَبِیهَا مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ تُقِرُّ بِهَا أَعْیُنَ ذُرِّیَّتِهَا وَ أَبْلِغْهُمْ عَنِّی فِی هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِیَّةِ وَ السَّلَام.

خدای متعال را شکرگزار هستیم که به این ملت توفیق ادای وظیفه و حق‌شناسی و وفاداری عنایت فرمود و به طور گسترده بحمدالله در این دو امر مهم شرکت کردند. امیدواریم که مسؤولان نظام در همه طبقات قدر این وفاداری مردم را ان شاءالله بدانند و آرمان‌های انقلاب و اسلام را ان شاءالله پیاده کنند و رضایت خدا متعال حضرت

بقیة الله الاعظم و مردم متدین و اسلام‌خواه و تابع ائمه علیهم السلام را ان شاء الله به منصه ظهور بگذارند.

بحث ما در آیه مبارکه 105 سوره مبارکه مائده بود «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ» که عرض شد دو مقطع این آیه شریفه استدلال می‌شود به آن برای عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر. مقطع اول «علیکم انفسکم» دو تقریب داشت دلالت بر این مقطع. یکی این که این علیکم اسم فعل است به معنای الزموا است و لذا «انفسکم» منصوب شده به عنوان این که مفعول آن اسم فعل باشد یعنی ملتزم به نفس خودتان باشید، از نفس خودتان جدا نشوید. گفتیم لازمه این التزام به نفس و الزام به نفس و چسبیده شدن به نفس این است که به دیگران کاری نداشته باشد، به فعل آن‌ها به ترک آن‌ها کاری نداشته باشد. پس مدلول التزامی علیکم انفسکم این است که امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.

بیان دوم این است که این عبارت در عرف کنایه است از این که به دیگران کاری نداشته باشید. «علیکم انفسکم» کنایه است به این که تو به فکر خودت باش و به دیگران کاری نداشته باش.

سؤال: فرق کنایه با ...؟

جواب: در دلالت التزام باید معنای خارج لازم بین آن و آن معنا تلازم باشد و متکلم معنای مطابقی را اراده کرده است و معنای التزامی را هم اراده کرده است. اما در کنایه معنای

مطابقی اصلاً مراد نیست مثل «زیدٌ کثیر الرماد» شاید اصلاً رمادی هم نداشته باشد و آن معنای مطابقی مراد اصلاً نیست. همان معنای مکنی الیه که جود و سخا هست مورد اراده هست. اما در دلالت التزامی هر دو مورد اراده گوینده است.

خب مقطع دوم هم این بود که «لایضرکم من ضل اذا اهتدیتم که آن هم علامه فرمود کنایه باید باشد بنابر مسلک کسانی که می‌گویند این آیه مفادش آن هست باید کنایه باشد از این که شما تکلیفی نسبت به دیگران ندارید. پس بنابراین مجموعاً در این آیه مبارکه سه تقریب برای دلالت بر عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد صدراً و ذیلاً.

خب گفتیم که دو نحو جواب و دو منهج برای جواب از این اشکال وجود دارد. منهج اول منهج جواب اجمالی بود که بیان کردیم. دو بیان داشتیم برای جواب اجمالی.

منهج دوم جواب تفصیلی است که از هر یکی از این تقاریب جداگانه جواب بدهیم. بنابراین الان وارد این منهج تفصیلی باید بشویم که منهج اجمالی قبلاً گذشت. خب ابتدائاً به آن مقطع اول بپردازیم «علیکم انفسکم».

جواب‌های متعددی وجود دارد در کلمات مفسرین و بزرگان هم هست که اشاراتی است به آن‌ها. اهم این جواب‌ها شاید چهار جواب باشد که عرض می‌کنیم.

سؤال: ...؟

جواب: هر دو هست.

جواب اول این هست که «علیکم انفکسم» مخاطب به این جمله مجتمع اسلامی است و جامعه اسلامی است. خدای متعال به جامعه اسلامی می‌گوید شما ای جامعه‌های اسلامی، ای مجتمع‌های اسلامی به فکر خودتان باشید. به کفار نیاندیشید، کاری به آن‌ها نداشته باشید، شما به فکر خودتان باشید، به فکر اصلاح خودتان باشید، به فکر رشد خودتان باشید. «علیکم انفسکم» بنابراین اگر این جور معنای آیه شریفه باشد این نه تنها منافاتی با ادله امر به معروف و نهی از منکر ندارد بلکه مؤید ادله امر به معروف و نهی از منکر هست. چون یکی از بهترین راه‌های اصلاح جامعه اسلامی همین امر به معروف و نهی از منکر است. بلکه ما جامعه اسلامی را، افراد جامعه را به صلاح‌شان، به سعادت‌شان برسانیم از مفاسد اخلاقی، از مفاسد اجتماعی و غیر ذلک آن‌ها را برهانیم خب بهترین راهش چیه؟ دعوت آن‌ها به حق هست، امر به معروف هست، نهی از منکر هست. فلذا بعضی گفتند این آیه ادّل آیةٍ علی وجوب امر به معروف و نهی از منکر هست. پس «علیکم انفسکم» اگر ما این جور معنا می‌کردیم که به هر شخصی می‌گوید به فکر خودت باشد به دیگران اصلاً کاری نداشته باش این ممکن بود دلالت بکند بر عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر. اما اگر گفتیم نه، «علیکم انفسکم» مفادش این است که ای جامعه اسلامی شما به فکر خودتان باشید، پس هر کسی باید به فکر جامعه اسلامی باشد. خب البته لازمه این که به فکر جامعه اسلامی باشد به فکر خودش هم باید باشد چون این هم جزیی از آن‌ها است، فردی از آن‌ها است. اگر همه افراد از خودشان صرف‌نظر کنند به تعالی خودشان کار نداشته باشند قهراً جامعه اسلامی به سعادت نمی‌رسد چون جامعه اسلامی لایتشکل الا از خود همین آحاد. پس بنابراین هر کسی باید به فکر خودش هم باشد. هم به فکر دیگران باشد، هم به فکر خودش باشد. مخاطب جامعه اسلامی است.

در بعض کلمات شاید فخر رازی در تفسیرش و بعضی دیگر در تفسیرشان از قدماتی اصحاب گفتند این «انفسکم» یعنی اهل دینکم. مثل «فاقتلوا انفسکم» در آن آیه شریفه. «فاقتلوا انفسکم» نه این که یعنی خودکشی کنید. در آن جایی که خدا دستور داد یعنی هم کشیان خودتان را بکشید. امتحانی بود. «فاقتلوا انفسکم» هم کیشان، یعنی اهل دین‌تان را بکشید. این جا هم که می‌فرماید «علیکم انفسکم» این انفسکم یعنی جامعه‌تان را، اهل دین‌تان را. و آن وقت این تعبیر انفس خیلی تعبیر لطیفی است، ظریفی است که کأنّ اعضاء و افراد جامعه را خدای متعال به منزله خود انسان، هر فردی باید کأنّ این احساس در آن باشد که دیگران من هستند و من هم دیگران هستم. یک چنین تربیتی در معارف الهی است که این جور انسان را بار بیاورد.

خب اگر این جور معنای شریفه و استظهار از آیه شریفه این بشود که یا بگوییم مخاطب علیکم انفسکم «یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم» به این جمع بما هو جمع دارد اشاره می‌فرماید که به فکر خودتان باشید کار به جوامع دیگر نداشته باشید. اتفاقاً در روایات هم داریم می‌گوید رهایشان کنید، به شما نیست خدای متعال خودش آن‌ها را خلق کرده هر کار خواست می‌کند، پیغمبر برای آن‌ها بفرستد هر کار خواست... شما کار نداشته باشید که به زور بخواهید یک سنی را شیعه بکنید یا یک مسیحی را شیعه بکنید، یا یک یهودی را شیعه بکنید. لزومی ندارد. شما به فکر جامعه خودتان باشید. خب این بعض از روایات وارده در کتب اهل سنت مثل الدُرّ المنثور که علامه طباطبایی هم آن‌ها را نقل فرموده من الان کتب عامه را خیلی نادر دارم. الدرّ المنثور را هم ندارم. ایشان نقل کردند. مثلاً از باب نمونه این روایت را می‌خوانم که:

«و فی الدر المنثور، أخرج أحمد و ابن أبی حاتم و الطبرانی و ابن مردویه عن أبی عامر الأشعری: أنه کان فیهم شیء فاحتبس علی رسول الله(ص) ثم أتاه....»

شاید یک مشکله اجتماعی چیزی پیش آمده بود این خودش را رفت قایم کرد و وارد مسائل نشد. بعد آمد خدمت حضرت رسید.

«فقال: ما حبسک؟»...

حضرت فرمود... طبق این نقل، چه تو را محبوس کرد و وارد نشدی توی این مسأله اجتماعی که مثلاً لازم بود باشی.

«قال: یا رسول الله قرأت هذه الآیة: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لایَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ. فقال له النبی(ص): أین ذهبتم؟ (چرا این جوری معنا می‌کنی آیه را) إنما هی: لایضرکم من ضل من الکفار إذا اهتدیتم.»

به جامعه اسلامی کار ندارد. کفار را دارد می‌گوید. خب پس بنابراین امثال این روایات هست که از طرق عامه نقل شده، به این‌ها هم استشهاد می‌شود به این که این معنای آیه شریفه است.

علامه قدس سره بعد از این که تفسیر مفصلی در این آیه دارند و بحث مفصلی دارند در نهایت این احتمال را که حالا عرض کردم ایشان این احتمال را هم بیان می‌فرمایند.

«و تسع الآیة أن تحمل علی الخطاب الاجتماعی بأن یکون المخاطب بقوله: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا مجتمع المؤمنین فیکون المراد بقوله: عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ هو إصلاح المؤمنین مجتمعهم

الإسلامی باتخاذ صفة الاهتداء بالهدایة الإلهیة بأن یحتفظوا علی معارفهم الدینیة و الأعمال الصالحة و الشعائر الإسلامیة العامة..»

خب ایشان خود مخاطب را یعنی مخاطب به «علیکم»، «کُم» را مجتمع اسلامی می‌گیرند. احتمال دیگری که عرض کردم که مفاد را همین نزدیک این است که «کُم» کل فردٍ است. اما آن «انفسکم» می‌شود مجتمع اسلامی «اهل دینکم» یعنی به هر فردی دارد می‌فرماید هر کدام از شماها اهل دین‌تان را... علیکم به اهل دین‌تان، مواظب‌شان باشید، امر به معروف کنید، نهی از منکر کنید، وسائل ترقی‌شان را فراهم کنید، به فکر آن‌ها باشید که مفسرین سلف آن جور فهمیدند بعضی‌هایشان. اما علامه آن را اصلاً اشاره نمی‌فرمایند این را اشاره می‌فرمایند. مآل آن یک چیز می‌شود. مآل این دو فرد یک چیز است. بگوییم این را آیه شریفه می‌خواهد بفرماید.

خب این فرمایش ایشان تارةً می‌خواهیم ببینیم این جواب می‌شود یا نه، تارةً می‌خواهیم بگوییم آیه ظهور در این دارد و فهم عرفی و استظهار عرفی از آیه شریفه این است. تارةً می‌خواهیم بگوییم نه، این معنا هم کنار آن معنایی که مستدل به آن استدلال کرد وجود دارد. و جواب را این جوری بدهیم بگوییم این آیه ظاهر نیست در آن که مستدل به آن استدلال کرده، زیرا یا ظاهر در این معنا است یا این معنا هم محتمل است. بنابراین وقتی که اذا جاء الاحتمال و ظهور منعقد نشد در اثر این احتمال پس استدلال به آیه تمام نیست. فقط در صورتی ما می‌توانیم این جواب را نپذیریم که اقامه بیّنه کنیم بگوییم این معنا خلاف ظاهر است و محتمل نیست در آیه به احتمالی که مصادم با ظهور باشد. بگوییم خلاف ظاهر است. «علیکم انفسکم» ظاهرش این است که همان طور یعنی این نیست و شاید حالا آن جا هم که امام آن روایت اگر آن سندش خب تمام نیست، اگر آن روایت رسول خدا(ص) تمام باشد آن ممکن است که به حسب قرائن دیگر به ضم قرائن دیگر حضرت می‌خواهد بفرماید چرا این جور می‌فهمید آیه را که حالا بعد عرض می‌کنیم نه این که خود این قالب معنایش این باشد که «علیکم انفسکم».

بنابراین «علیکم انفسکم» ظاهرش این است که همان که آن بنده خدا هم به حسب خود آیه من حیث هی هی فهمیده بود. «علیکم انفسکم» که آدم می‌شنود این یک ذهن خاصی می‌خواهد که جامعه دوست باشد که «علیکم انفسکم» یعنی ای مجتمع اسلامی. این جور بفهمد، نه شخص شخص بخواهد بفهمد. این هم که از «انفسکم»؛ آن بیان ثانی «انفسکم» آن بیان شاعرانه که همه یک نفس هستند و فلان و این‌ها، خب این‌ها یک مطالب شاعرانه‌ای است، خب قشنگ هم هست و لکن به ذهن ابتدایی عرف نمی‌آید «علیکم انفسکم» یعنی اهل دینکم، مجتمعکم. «علیکم انفسکم» یعنی خودتان.

سؤال: قرینه چی...؟

جواب: آن جا قرینه است بر این که آن جا قرینه وجود دارد که می‌خواهد بگوید هم دیگر را بکشید برای امتحانی که خدای متعال می‌خواسته بفرماید. اگر آن جا هم نباشد، آن قرینه خارجی نباشد «فاقتلوا انفسکم» یعنی این که خودتان را بکشید، یعنی خودکشی بکنید نه این که دیگران را بکشید. آن جا هم همین جور است، آن جا هم قرینه می‌خواهد. آن جا به قرینه خارجی فهمیدیم این بوده. داستان آن جا چون آن بوده فهمیدم که آیه این مقصود است.

این جواب اول. پس جواب اول این شد که این جواب خلاف ظاهر آن است که از آیه

شریفه فهمیده می‌شود.

سؤال: استاد ببخشید این «انفس» خودش قرینه نمی‌شود مثلاً بگوییم «فاقتلوا نفسکم» یا بگوید «فاقتلوا انفسکم» جمع آورده.

جواب: مقابله در جمع به جمع است دیگر. در مقابله جمع به جمع هم توی فارسی و هم توی عربی این هست که می‌گویند مثلاً به فکر بچه‌هایتان باشد. یعنی هر کدام شما به فکر بچه‌های خودش باشد. مقابله جمع به جمع یعنی همین. این جوری منحل می‌شود، انحلال پیدا می‌کند در مقام گفتاری این جوری می‌گویند. مثل آیه شریفه نَفْر هم این جور است. «وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُم» این معنایش این نیست که این جمعیتی که رفتند همه‌شان با هم دیگه باید بیایند قوم را انذار کنند. این به ملاحظه جمع در مقابل جمع است که هر طائفه‌ای از یک قومی رفته، از هر قومی یک نفری پا شده رفته حالا هر کدام برمی‌گردد قوم خودش را. این متداول است در زبان عرب و ....

سؤال: استاد احتمال کافی بود دیگه. احتمال...؟

جواب: بله اگر ....

پس این جور می‌گوییم در مقام جواب؛ که اولاً آیه شریفه ظاهر در همان معنایی است که مستدل می‌گوید. ثانیاً اگر ظاهر نباشد ظاهر در این معنایی که شما می‌فرمایید یعنی علامه یا آن بزرگان قبل می‌فرمایند نیست، محتمل است. اگرچه، اگر این را گفتیم آن وقت باز جواب درست است دیگه. جواب از آن اشکال درست است. این جواب اول.

جواب ثانی:

جواب ثانی از راه انقلاب نسبت است. ما نصوص امر به معروف و نهی از منکر از یک طرف داریم، این آیه مبارکه هم «علیکم انفسکم» از یک طرف داریم. خب این‌ها با هم تعارض می‌کنند. اما ما یک دلیل سومی داریم که آن دلیل سوم می‌آید نسبت بین این دو طائفه را تغییر می‌دهد، منقلب می‌کند و آیه شریفه از نسبت تباین کلی به تباین جزیی تبدیل می‌کند، می‌کند اخص مطلق. اخص مطلق که شد آن ادله امر به معروف و نهی از منکر را تخصیص می‌زند.

توضیح ذلک:

توضیح مطلب این هست که ما در بعض روایات وارده از ائمه علیهم السلام به حسب نقل آمده است که:

«أنّه قال (یعنی أنّ الصادق(ع) قال) نزلت هذه الآیة فی التقیة»

یعنی این «علیکم انفسکم» مال زمان تقیه است. وقتی تقیه شد شما دیگه به فکر مردم نباشید به فکر خودتان باشید. توی زمان تقیه را دارد می‌گوید. خب این روایت پس چه کار می‌کند. قبلاً ما این آیه را می‌دیدیم با ادله امر به معروف تباین کلی داشته؛ این می‌گوید «علیکم انفسکم» هیچ جا؛ چه تقیه باشد، چه غیر تقیه باشد در هیچ زمانی، در هیچ شرایطی امر به معروف و نهی از منکر بر شما واجب نیست. آن ادله هم می‌گوید «مروا بالمعروف و انهوا عن المنکر» اطلاق دارد، عموم دارد، همه جاها را می‌گوید امر به

معروف کنید، نهی از منکر کنید. خب تعارض دارند. یک دلیل سوم پیدا می‌شود می‌گوید آقا این «علیکم انفسکم» مال زمان چیه؟ مال تقیه است. وقتی گفت مال زمان تقیه است قهراً چی می‌شود؟ نسبت عوض می‌شود. یعنی «علیکم انفسکم فی زمان التقیة» در یک زمان خاصی، در یک شرایط خاصی دارد می‌گوید علیکم انفسکم، به دیگران کار نداشته باشید. التزام به خودتان داشته باشید، یا به دیگران کار نداشته باشید علی کلا التقریبین. پس نسبت تعویض می‌شود، منقلب می‌شود. فرقی نمی‌کند که این لسانی که فرموده است «نزلت هذه الآیة للتقیة» که دارد این آیه شریفه را مخصوص یک زمان خاص و وضعیت خاص می‌کند این لسانش تخصیص آن باشد یا حکومت داشته باشد. حکومت هم نتیجه‌اش در بعض موارد همان تخصیص است دیگه. حکومت تضییقی در حقیقت تخصیص است. مآلش به تخصیص می‌گوید. انقلاب نسبت هم در اثر تخصیص می‌تواند پیش بیاید، تخصیص اصطلاحی هم در اثر حکومت می‌تواند پیش بیاید. این است که بالاخره آن دائره و سعه‌اش ضیق می‌شود، نسبت آن از تباین کلی به تباین جزیی تبدیل می‌شود تخصیص می‌زنند.

سؤال: ...؟

جواب: وقتی منفصل باشد این چنین نیست. مخصص... وقتی حاکم، حاکم ظهور را از بین نمی‌ّبرد، باز مراد جدی را تفسیر می‌کند.

پس بنابراین از این راه پیش بیاییم. علامه طباطبایی قدس سره در بحث روایی ذیل آیه مبارکه می‌فرماید:

«فی نهج البیان، عن الصادق(ع)أنه قال: نزلت هذه الآیة فی التقیة.»

در جوامع روایی من ندیدم این روایت. در تفاسیر خودمان هم ندیدم. از نهج البیان که ظاهراً نهج البیان مال عامه باشد. بعض عرفا هست. حالا علامه از نهج البیان نقل می‌کند. حالا من نهج البیان هم نداشتم. ولو والد معظم قدس سره دارند این نهج البیان را، حالا بروم آن جا ببینم. این در آن نقل می‌کند حالا آن جا مسند هست یا مرسل است، علی الظاهر باید مرسل باشد که ایشان هم به نحو مرسل نقل کردند و الا اگر مسند بود لابد مسنداً نقل می‌کردند. این روایت از آن‌ها است.

ما روایات دیگری داریم که آن‌ها ولو نفرموده تقیه اما شبیه همین را می‌فرماید یعنی می‌گوید مال یک زمان خاصی است. در بعضی روایات که در دُرّ المنثور هست می‌گوید مال وقتی است که می‌بینید اصلاً .... می‌گوید مال زمانی است که اثر ندارد. می‌بینید اثر ندارد. آن زمانی که می‌بینید دیگه گفته شما اثر ندارد رها کنید «علیکم انفسکم» مردم را دیگه رها کنید «علیکم انفسکم»

سؤال: توی بحث شرایط باید بیاوریم این را.

جواب: بله. آیه چه کار می‌کند. این آیه که اطلاق دارد می‌فرماید این آیه زمانش کجاست؟ آن جایی است که دیگه امر به معروف اثر نمی‌کند. مال آن جا است. این آیه مال آن جا است.

سؤال: با آیه قبل جلوی اطلاقش را می‌گیریم. می‌گوید اگر اثر نکرد «علیکم انفسکم»

جواب: ندارد اگر اثر نکرد.

سؤال: آیه قبلش می‌گوید که اگر.... حالا مضمونش این است که اگر فایده نکرد ...

جواب: نه این جور چیزی ندارد. «وَ إِذا قیلَ لَهُمْ تَعالَوْا إِلی ما أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَی الرَّسُولِ قـالُوا حَسْـبُنا مـا وَجَـدْنا عَلَیْـهِ آباءَنـا أَ وَ لَـوْ کـانَ آبـاؤُهُمْ لا یَعْلَمُـونَ شَیْئـاً وَ لا یَهْتَـدُونَ» (مائده/104) اذا قیل لهم یعنی پیامبر به آن‌ها می‌گوید، خدا به آن‌ها می‌گوید. یعنی در مقابل فرمایشات انبیاء، پیامبر اکرم این‌ها می‌گویند آباء ما این جور گفتند ما حاضر نیستیم مسلمان بشویم.

خب حالا بعضی روایاتی که مثلاً غیر از این که خواندیم. منتها این روایت را هم من بخوانم چون....

«عن الترمذی و صححه و ابن ماجة و ابن جریر و البغوی فی معجمه و ابن المنذر و ابن أبی حاتم و الطبرانی و أبی الشیخ و ابن مردویه و الحاکم و صححه و البیهقی فی الشعب عن أبی أمیة الشعبانی قال: أتیت أبا ثعلبة الخشنی...»

سؤال: از کجا نقل می‌فرمایید؟

جواب: از همین تفسیر علامه نقل فرمودند از همان دُرّ المنثور.

«فقلت له: کیف تصنع هذه الآیة؟..»

گفتم با این آیه چه کار می‌کنید؟«قال: أیة آیة؟ قال:....»

که باید ظاهراً قلت باشد همین طور که پایین‌تر هست.

«قوله یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لایَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ قال: أما و الله لقد سألت عنها خبیراً...»

تو از آدم آگاهی سؤال کردی. من می‌دانم این آیه معنایش چیست.

«سألت عنها رسول الله(ص)...»

من خودم که این معنایش چیه... یعنی توی ذهن این‌ها این بود که یک ظاهری دارد آیه ولی کأنّ با سایر آموزه‌های دین خیلی سازگار نیست. «علیکم انفسکم» به کسی کاری نداشته باشید. خودم از پیامبر سؤال کردم که معنای این آیه چیه.

«قال: بل ائتمروا بالمعروف و تناهوا عن المنکر حتی إذا رأیت شحاً مطاعاً، و هوی متبعاً، و دنیا مؤثرة، و إعجاب کل ذی رأی برأیه...»

اگر دیدی این جور شد که مردم دارای شح مطاع هستند؛ یک آز که دنبالش می‌روند، یک هوی و هوسی که دنبال می‌روند، یک دنیایی که آن را بر آخرت ترجیح دادند و انتخاب کردند و هر کسی به رأی خودش کار دارد که الان هم ملامعی از این‌ها را آدم می‌بیند. «و اعجاب کل رأیٍ برأیه» به دین کار ندارد، این را باید خودم بفهمم. «اعجاب کل رأیٍ ذی رأیٍ برأیه» اگر دیدید این جوری است؛

«فعلیک بخاصة نفسک و دع عنک أمر العوام فإن من ورائکم أیام الصبر...»

یک روزگاری می‌آید که آن موقع شما باید صبر کنید. دندان روی جگر بگذارید، صبر کنید، خون جگر بخورید.

«الصابر فیهن کالقابض علی الجمر، للعامل فیهن مثل أجر خمسین رجلاً یعملون مثل عملکم.»

گفتند این دارد می‌گوید چی؟ می‌گوید این آیه مال آن زمان است. آن وقتی که دیگه امر به معروف و نهی از منکر زمینه ندارد. آدم‌ها یک جوری شدند که شُح مطاع دارند، هوای متبع دارند، مؤثِر دنیا بر آخرت هستند، خودپسندی در رأی برای آن‌ها پیدا شده، اعجاب به نفس پیدا کردند می‌گویند هر چی خودمان فهمیدیم، دیگه گفتن اهل دیانت و مؤمنین، امر به معروف و نهی از منکر اثر نمی‌کند. آن جا است که خدای متعال می‌فرماید علیکم انفسکم، دیگه مراقب خودتان باشید کار به دیگران نداشته باشید.

خب آن روایت می‌گوید مال زمان تقیه است. این روایت می‌گوید مال این زمان است. این‌ها هم با هم منافاتی ندارد بنابراین اگر این روایت هم باشد باز انقلاب نسبت ایجاد می‌شود. بین این دو تا ابتدائاً تباین است باتوجه به این روایت پس علیکم انفسکم می‌شود مال ظرف خاصی، مال شرایط ویژه‌ای، پس نسبتش با ادله امر به معروف می‌شود نسبت اخص مطلق. پس «مروا بالمعروف و انهوا عن المنکر» الا در این صورت. بنابراین تعارضی آن وقت نخواهند داشت.

حالا این جا من سؤالی داشتم که این روایت را که فرمود «ائتمروا بالمعروف و تناهوا عن المنکر» این یعنی چی؟ دیدم در کلمات بزرگانی «و ائتمروا بالمعروف» را معنا کردند یعنی «مروا بالمعروف و تناهوا عن المنکر». به قرینه ذیلش دیگه این جوری معنا کردند. ائتمار به معنای امر کردن است و تناهوا به معنای نهی کردن است. این جور معنا کردند ولی غیر از این هم کأنّ نمی‌شود معنا کرد. حالا از نظر ادبی این را باید چه جئتمروا بالمعروف و تناهوا عن المنکر» این یعنی چی؟ دیدم در کلمات بزرگانی «و ائتمروا بالمعروف» را معنا کردند یعنی «مروا بالمعروف و تناهوا عن المنکر». به قرینه ذیلش دیگه این جوری معنا کردند. ائتمار به معنای امر کردن است و تناهوا به معنای نهی کردن است. این جور معنا کردند ولی غیر از این هم کأنّ نمی‌شود معنا کرد. حالا از نظر ادبی این را باید چه جوری درست کرد، این را دنبال کنید که ببینید چه جور باید این طور....

سؤال: .....

جواب: مثل این جور خیلی خلاف ظاهر است.

سؤال: حاج آقا به معنای هم دیگر را امر کنیم، هم دیگر را نهی کنیم.

جواب: ائتمار مطاوعه است.

سؤال: یکی از معانی آن مطاوعه است.

جواب: ولی خب به آن معنای دیگه مثلاً خب می‌گفت «و امروا، و ائتمروا و تناهوا و انهوا» تناهوا یعنی انتهاء کنید یعنی انجام ندهید، اجتناب بکنید. همه‌تان اجتناب کنید.

حالا من نمی‌دانم حالا این بالاخره از نظر چیزی یک مقداری اجمال دارد ولی همین طور معنا شده و ظاهر هم این است که باید همین جور معنا بکنیم لامحالة.

علی ای حالٍ این هم یک راه است. این راه تمام است یا تمام نیست؟ این راه اگر این روایات وارده تمام بود سنداً بله راه خوبی بود و لکن همان روایت مرسل است فی نهج که حالا به نهج هم باید مراجعه کرد که آن جا از مرسلات جزمیه است یا نه. حالا اگر جزمیه هم باشد آن صاحبش باید آدم ثقه‌ای باشد، آن مرسِل باید ثقه باشد که نمی‌شناسیم او را به وثاقت.

آن روایات هم که در کتب عامه است به سندهای آن‌ها است، آن‌ها هم که حالش برای ما روشن است. اگرچه ظاهر مضمون مضمونی است که خالی از قوت نیست. علامه طباطبایی قدس سره مضمون این چند تا روایت است می‌فرماید این‌ها مضامینش یک مضامین مثلاً شاید بخواهند بفرمایند که آدم اطمینان پیدا می‌کند به صدورش.

خب حالا این خیلی برای کسی که اطمینان پیدا کند کفی. بنابراین این جواب دوم جوابی است که از نظر فنی جواب خوبی است و اما اشکالش این است که آن روایات دسته سومی که می‌خواهد انقلاب نسبت ایجاد کند حجیت سندی و صدوری ندارد.

راه سوم برای تخلص از این اشکال این بیان هست که «علیکم انفسکم» معارض با نصوص امر به معروف نهی از منکر نیست بلکه نصوص امر به معروف و نهی از منکر ورود دارد بر این آیه. آن‌ها وارد بر این آیه است.

توضیح ذلک این که «علیکم انفسکم» طبق معنایی که مستدل می‌کند یعنی چی؟ می‌گوید به فکر خودتان باشید، وظایف خودتان را انجام بدهید. این را می‌گوید دیگه؛ شما فکر خودتان باشید. فکر خودمان باشیم یعنی چی؟ یعنی واجبات‌مان را انجام بدهیم، محرمات‌مان را ترک کنیم، صفات رذیله را از خودمان دور کنیم، متحلی به صفات حمیده بشویم. این «علیکم انفسکم» معنای آن این است.

خب آن آیه هم دارد می‌گوید یکی از وظایف و واجبات شما چیه؟ امر به معروف و نهی از منکر به دیگران است. اگر ما امر به معروف نکنیم، نهی از منکر نکنیم مثل این است که نعوذ بالله نماز نخوانیم، روزه نگیریم. چون واجب کرده دیگه.

پس این می‌شود ورود. ورود معمولاً آدم توی ذهنش می‌آید به مثال‌هایی که می‌زنند و یاد می‌دهند که ورود همیشه چیه؟ در چه مواردی است؟ در موارد تخصص به تعبد است. یعنی یک شیء از دلیلی خارج می‌شود، از موضوع دلیل آخر خارج می‌شود به برکت تعبد. یعنی تعبد باعث می‌شود یک امر تکوینی رخ می‌دهد. فرقش با تخصیص همین است. یک امر تکوینی رخ می‌دهد، یعنی در اثر آن تعبد شرع یک فعل و انفعالی ایجاد می‌شود که در اثر آن فعل و انفعال آن امر متعبدٌبه تکویناً از تحت آن دلیل دیگه خارج می‌شود. مثل قبح عقاب بلابیان عقل می‌گوید قبیح است عقاب بلابیان. وقتی شارع آمد یک مظنه‌ای را؛ خبر واحد را حجت کرداین حجت کردن شارع باعث می‌شود که این خبر ظنی بشود بیان تکویناً. و مواردی که خبر واحد دارد تکویناً از عدم البیان که موضوع قاعده قبح عقاب بلابیان هست خارج می‌شود.

اما معمولاً یا خیلی جاها این اخراج همزمان با چیه؟ یک ادخالی است. یعنی این که خبر واحد را شارع حجت می‌کند باعث می‌شود که چی بشود؟ بیان درست بشود. بیان که

درست شد لازمه‌اش این است که عدم البیان می‌پرد. زوال عدم البیانی به خاطر چیه؟ ایجاد بیان است. به تعبد، فرد دارد درست می‌کند. پس «علیکم انفسکم» معنایش این شد که وظایف‌تان را انجام بدهید. خب آن آیه دارد وظیفه درست می‌کند. امر به معروف به برکت ادله امر به معروف یک وظیفه‌ای مصداق تکوینی برای وظایف درست می‌شود. بنابراین ادله امر به معروف و نهی از منکر کتاباً و سنتاً اگر باشد آن‌ها وارد می‌شوند بر آیه علیکم انفسکم نه معارض با آن هستند.

این هم جواب سوم. آیا این جواب تمام است یا جواب تمام نیست ان شاءالله جلسه بعد.

و صلی الله علی محمد و آل محمد.